



## عنوان

پروژه میان ترم روش پژوهش و ارائه

## استاد

جناب آقای دکتر سید علی رضوی ابراهیمی

## دانشجو

مهدیه برجی

## شماره دانشجویی

۹۴۹۷۴۸۷۱۹

بهار ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پژوهش کیفی چیست؟

### چکیده:

اندیشمندان حوزه روش‌شناسی پژوهش، پژوهش را به دو گروه کلی طبقه‌بندی می‌کنند

(۱) پژوهش‌های کمی و (۲) پژوهش‌های کیفی.

هدف اصلی این مقاله بحث و بررسی در مورد پژوهش‌های کیفی است. بنابراین، ابتدا ویژگی‌های مهم پژوهش‌های کیفی و اختلاف‌های مهم بین اینگونه پژوهش‌ها و پژوهش‌های کمی بررسی می‌شود. سپس، چند نمونه از پژوهش‌های کیفی ارائه و برای هریک بیان مسئله نوشته می‌شود. نتیجه‌گیری این بررسی به قرار زیر است:

- پژوهش‌های کیفی از نظر اهمیت و ساختار علمی روش تحقیق، اصالتاً در سطح نازل‌تری از پژوهش‌های کمی قرار ندارند.
  - انتخاب بین یک روش پژوهش کیفی یا کمی بستگی به عوامل متعددی دارد. مهم‌ترین علت تعیین‌کننده، ماهیت موضوع، مشکل مورد مطالعه، و تجربه پژوهشگر است.
  - پاره‌ای از انواع روش‌های پژوهش کیفی (به‌عنوان نمونه پژوهش موردی و زمینه‌ای) می‌توانند اطلاعات عمیق و دقیقی را در خصوص پدیده‌ها، رفتارها و سازمان‌های پیچیده ارائه کنند. کسب اینگونه اطلاعات از راه پژوهش‌های کمی به‌هیچ عنوان میسر نیست.
  - در اکثر موارد، به‌منظور افزایش روائی داخلی و روائی خارجی پژوهش، می‌توان از هر دو نوع تکنیک‌های کیفی و کمی استفاده نمود. یعنی، روش‌های پژوهش‌های کیفی و کمی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.
- پیشنهاد می‌گردد، در آینده، روش‌ها و تکنیک‌های پژوهش‌های کیفی هر چه کامل‌تر و عملی‌تر تدوین گردد تا روائی داخلی و روائی خارجی آنها تقویت شود، و اعتبار اینگونه پژوهش‌ها نیز افزایش بیشتری یابد.

**واژه‌های کلیدی:** پژوهش، پژوهش‌های کیفی، پژوهش‌های کمی

### مقدمه:

پژوهش (تحقیق) در لغت به‌مفهوم « به کنه مطلب رسیدن و واقع چیزی را به دست آوردن » معنا شده‌است. تعریف دیگری پژوهش را یک فعالیت منظم و مدون می‌داند که هدف آن کشف و گسترش دانش و حقیقت است.

به‌طور کلی، پژوهش عبارت است از یک عمل منظم که در نتیجه آن پاسخ‌هایی برای سؤال‌های مورد نظر و مطرح شده در موضوع تحقیق به‌دست می‌آید به‌گونه دقیق‌تر، پژوهش عبارت است از فعالیتی که در برگیرنده یک ایده، یک پژوهشگر، یک روش و یک محیط است.

پژوهش علمی یک مطالعه منظم و کنترل شده نظام‌دار، منطقی و بر مبنای روش‌های علمی است که داده‌ها را خلاصه می‌کند تا به نتیجه برسد، و قابلیت تکرارپذیری و انتقال‌پذیری را نیز دارد. پژوهش‌های علمی را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمود:

## ۱- پژوهش‌های کیفی      ۲- پژوهش‌های کمی

هدف اصلی این مقاله بررسی چرایی پژوهش‌های کیفی است. به این منظور، ابتدا ماهیت پژوهش‌های کیفی و تفاوت‌های عمده اینگونه پژوهش‌ها با پژوهش‌های کمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس مهم‌ترین سازه‌هایی که در پژوهش‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند، بحث می‌شوند. نتیجه‌گیری مقاله در پایان ارائه می‌گردد.

### پژوهش کیفی:

واژه Research در لغت به‌معنای پژوهش، تحقیق، کندوکاو، تجسس و کاوش است و Qualitative به‌معنای کیفی و چونی است. این دو واژه مجموعاً به‌معنای تحقیق و پژوهش کیفی است.

تعریف پژوهش کیفی کار آسانی نیست و این نکته را زمانی می‌توانیم عمیقاً دریابیم که درباره‌ی این نوع پژوهش، به دانش کافی دست یافته باشیم. بنا به‌تعریف پاول «در صورتی که زمینه‌ای خاص در پژوهش تا آن حد شناخته شده باشد امکان الگوسازی مقدماتی، تنظیم فرضیه یا حتی ارائه‌ی نظریه در خصوص آن وجود داشته باشد، می‌توان از رویکرد اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و روش‌های کمیت‌پذیر آن استفاده کرد. اما اگر اطلاعات موجود در یک زمینه‌ی خاص چنان اندک باشد که حتی تشخیص این که نادانسته‌ها کدام‌اند خود مسأله‌ساز باشد، باید از رویکرد طبیعت‌گرایانه و روش‌های کیفی‌تر بهره جست».

پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های پیچیده اجتماعی از داده‌های کیفی نظیر داده‌های حاصله از مصاحبه، مشاهده مشارکتی، مستندات، پرسشنامه و ... استفاده می‌کند. پیدایش تحقیق کیفی به وجود عامل انسانی مربوط می‌شود. در این روش برای دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق ارزش قایل می‌شوند، محقق و تحقیق‌شونده با یکدیگر در رابطه متقابل در نظر گرفته می‌شوند، هم به توصیف می‌پردازد و هم تبیین و برای گردآوری داده به گفته‌ها و رفتارهای قابل مشاهده افراد تکیه می‌کند.

در روش‌های کمی، همه چیز از یک سلسله مفاهیم کلیدی و از پیش تعیین شده، همچون: روایی، معنی‌داری، آماری، پایایی، تحلیل‌های قیاسی و تکرارپذیری الهام می‌گیرد؛ در حالی که روش‌های کیفی، بیش از هر چیز،

توصیف واقعیت‌های روزمره در زندگی اجتماعی را به عهده دارد، و از طریق عقل سلیم همراه با تحلیل‌ها و تفسیرهای استقرایی فرضیه‌ای به وجود می‌آورد که قبل از انجام دادن پژوهش قابل پیش‌بینی نبوده، یا از پیش تعیین نشده است. به زبان ساده‌تر، باید گفت که یافته‌های پژوهش‌های کمی حاصل مطالعات نظام‌دار {سیستماتیک} و قانون‌مندی است که از بالا به پایین، یا با روش‌های از کل به جزء به دست می‌آیند، اما یافته‌های پژوهش‌های کیفی حاصل مطالعات و بررسی‌های غیرنظام‌مند یا فارغ از قانون‌ها تغییرناپذیری است که از پایین به بالا و با شیوه‌های از جزء به کل پدیدار می‌شوند.

پژوهش‌های کیفی شامل روش‌هایی می‌شوند که برای مطالعه پدیده‌ها در شکل طبیعی خودشان به کار گرفته می‌شوند، و پژوهشگر هیچ فرضیه‌ای از قبل تعیین شده‌ای در زمینه موضوع مورد مطالعه در دست ندارد. در اینگونه پژوهش‌ها، هدف پژوهشگر بررسی «کیفیت پدیده» مورد مطالعه است نه کمیت. واژه کیفیت به چه، چگونه، چه زمان، کجا، چقدر، چه مقدار و ... مربوط می‌شود. بنابراین، پژوهش‌های کیفی به معانی، مفاهیم، تعاریف، علامات، استعارات، توضیحات و ویژگی‌های چیزها و موضوع‌های مورد مطالعه، می‌پردازند.

### تفاوت پژوهش کیفی و کمی

به پژوهش کمی، اثبات‌گر و به پژوهش کیفی، پژوهش مابعد اثبات‌گرا نیز گفته می‌شود. پژوهش اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد، که جلوه‌های محیط اجتماعی، واقعیتی مستقل را تشکیل می‌دهند و طی زمان و موقعیت‌ها، نسبتاً ثابت‌اند.

منظور از استقلال پدیده این است که واقعیت، نزد پژوهشگر اثبات‌گرا، عینی تلقی می‌شود، جدا از پژوهشگر وجود دارد و توسط همگان دیده می‌شود. به دیگر سخن، واقعیت اجتماعی وجود خارجی دارد و توسط مشاهده‌گران ساخته نمی‌شود. برخلاف پژوهش‌های کیفی (مابعد اثبات‌گرا) که در آن واقعیت اجتماعی به وسیله مشارکت‌کنندگان در آن ساخته می‌شود. فرض بر این است؛ که واقعیت اجتماعی، به‌طور پیوسته و مداوم در موقعیت‌های محلی ساخته می‌شود. به عبارت دیگر برای پژوهشگر کیفی واقعیت یگانه‌ای وجود ندارد، هر ناظر و مشاهده‌گری واقعیت را به صورت بخشی از فرآیند پژوهشی خلق می‌کند، واقعیت مبتنی بر ذهن است و تنها با ارجاع به یک ناظر موجودیت می‌یابد. به عبارت ثالث پژوهشگر کمی عینیت را وجهه‌ی همت خود قرار می‌دهد و از داده‌ها جدا می‌ایستد ولی پژوهش‌گر کیفی خود را بخش ناگسستنی از داده‌ها می‌داند در حقیقت بدون مشارکت فعال پژوهش‌گر، داده‌ای وجود ندارد.

پژوهشگر اثبات‌گرا، دانش را از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده‌ی نمونه‌ها و سپس عرضه‌ی این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌کند. در مقابل این‌ها پژوهش مابعد اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی به عنوان تفسیرهایی به وسیله‌ی افراد ساخته می‌شود. این تفسیرها شکل گذرا و وابسته به موقعیت

دارند. پژوهشگران مابعد اثبات‌گرا دانش را از درجه‌ی اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با مطالعه‌ی جدّی و عمقی موارد، و عرضه این داده‌ها به استقراء تحلیلی فراهم می‌آورند.

پژوهشگران کیفی بر نوعی تفسیر کل‌نگر تأکید می‌کنند. آنان واقعیت‌ها و ارزش‌ها را به‌صورتی غیرقابل تفکیک و آمیخته با یکدیگر در نظر می‌گیرند. از طرف دیگر پژوهشگران کمی به‌جای توجه بر تفسیرهای کل‌نگر، بر عوامل و متغیرهای فردی تأکید دارند. پژوهشگر کمی بر این باور است که واقعیت را می‌توان به مؤلفه‌هایش تقسیم کرد و با نگاه به این اجزاء، شناختی از کل به‌دست آورد؛ ولی پژوهشگر کیفی براساس این باور، که واقعیت، کلیتی است غیرقابل تقسیم، به بررسی کلّ فرآیند می‌پردازد.

اصطلاح دیگری که گاه به‌جای پژوهش کیفی به‌کار می‌رود، پژوهش مطالعه‌ی موردی است. این اصطلاح بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که پژوهش کیفی، متمرکز بر مطالعه‌ی موارد است؛ نه جامعه‌ها و نمونه‌ها. البته پژوهش‌های کیفی و کمی می‌توانند از طریق کشف (توسط پژوهش‌های کیفی) و تأیید (توسط پژوهش‌های کمی) هم‌دیگر را کامل کنند؛ فلذا با وجود همه تفاوت‌ها، بسیاری از پژوهشگران، اکنون ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی را برای فهم کامل پدیده مورد بررسی خود، به‌کار می‌برند.

تمایز بین روش‌های کیفی و روش‌های کمی در دنیای واقعی پژوهش‌های اجتماعی گاهی چندان روشن نیست. دو دلیل عمده برای این امر وجود دارد:

۱- در عمل، انتخاب یک روش منتهی به حذف روش دیگر نمی‌گردد؛ پژوهشگران مجرب تمایل دارند که از هر دو روش در یک پژوهش استفاده کنند. بنابراین، تفاوت این دو روش به میزان استفاده بیشتر از یک روش در مقابل روش دیگر مربوط می‌شود.

۲- در تئوری، هر دو روش بر مبنای پیش‌فرض‌های یکسانی بنا می‌شوند و تجزیه این دو روش به دو قطب جداگانه به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

با وجود این، واژه روش‌های کیفی و روش‌های کمی به‌کار گرفته می‌شوند تا ویژگی‌های متفاوتی را در مورد ابعاد پدیده‌ها و متغیرهای مورد مطالعه در دو قطب مخالف، روشن‌تر سازند. جدول (۱) تفاوت‌های عمده روش‌های کمی و روش‌های کیفی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تفاوت‌های عمده روش‌های کمی و کیفی

روش‌های کیفی	روش‌های کمی
۱ پدیده‌ها را به‌طور کیفی بررسی کرده و به کلمات نوشته شده تبدیل می‌کنند.	پدیده‌ها را به‌طور کمی اندازه‌گیری کرده و به اعداد تبدیل می‌کنند.
۲ از تشریح عمیق پدیده‌ها استفاده می‌کنند.	از تجزیه و تحلیل آماری استفاده می‌کنند.
۳ از تعداد مطالعات در مقیاس کوچک استفاده می‌کنند.	از تعداد مطالعات در مقیاس وسیع استفاده می‌کنند.
۴ روی کل واقعیت پدیده‌ها تأکید می‌کنند و اعتقاد دارند که واقعیت‌ها را نمی‌توان با تجزیه متغیرها خوب شناخت.	روی متغیرهای خاصی در پژوهش تأکید می‌کنند.
۵ روی تأثیر ارزش پژوهشگر سابقه و تجربه، تحصیلات، فرهنگ و اعتقادات وی در نتیجه پژوهش تأکید می‌کنند.	روی بی‌طرفی پژوهشگر در نتیجه پژوهش تأکید می‌کنند.
۶ از طرح‌های پژوهش و فرضیه‌های از قبل تعیین شده استفاده نمی‌کنند، بلکه آنها را در طی جریان پژوهش به‌وجود می‌آورند.	از طرح‌های پژوهش و فرضیه‌های از قبل تعیین شده استفاده می‌کنند.
۷ تأکید روی درک پدیده‌ها دارند.	تأکید روی آزمون و اثبات تجربی دارند.
۸ تأکید روی مشاهده پدیده‌ها به‌صورت طبیعی خودشان دارند.	تأکید روی معیارهای اندازه‌گیری کنترل شده دارند.
۹ می‌توانند جهت ایجاد نظریه‌های جدید به‌کار برده شوند.	معمولاً با نظریه‌های از قبل ارائه شده شروع می‌کنند.

جدول شماره (۲): اصول موضوعه الگوهای پژوهش کیفی و کمی

ردیف	پرسش	اصول الگوی پژوهش کیفی	اصول الگوی پژوهش کمی
۱	جهان چگونه عمل می کند؟	واقعیت ها چندگانه اند. این واقعیت ها سازه های روان شناختی - جامعه شناختی هستند که یک کل به هم پیوسته را تشکیل می دهند. واقعیت ها تنها از این طریق درک می شوند.	واقعیت یکی است. با تقسیم دقیق و مطالعه اجزاء می توان کل را درک کرد.
۲	رابطه میان داننده و دانسته (عالم و معلوم) چیست؟	داننده و دانسته (علم و معلوم) وابسته به یکدیگرند.	داننده می تواند خارج از آنچه قرار است دانسته شود، قرار بگیرد و عینیت واقعی امکان پذیر است.
۳	ارزش ها چه نقشی در درک جهان ایفا می کنند؟	ارزش ها به آنچه فهمیده می شود، شکل می دهند و در این میان نقش واسطه ای دارند.	ارزش ها می توانند به منظور فهمیدن مسکوت گذاشته شوند.
۴	آیا رابطه علی امکان پذیر است؟	رویدادها به یکدیگر شکل می دهند. می توان به روابط چندوجهی دست یافت.	رویدادی که قبل از رویداد دیگر می آید، می توان علت آن قلمداد شود.
۵	آیا امکان تعمیم وجود دارد؟	تبیین های مبتنی بر آزمایش تنها برای زمان و مکان، ممکن است.	تبیین ها می توانند از یک زمان و مکان به زمان و مکان دیگر، تعمیم یابند.
۶	نقش پژوهشگر در تولید دانش چیست؟	عموماً پژوهشگر به دنبال کشف یا آشکارسازی موضوعات است.	عموماً پژوهشگر به دنبال بررسی و اثبات قضایا و گزاره های پیشنهادی است.



## ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی

- اهمیت شرایط محیطی: کنش‌های محیطی، یا اجتماعی، تا حد زیادی به شرایطی بستگی دارند که در آن اتفاق می‌افتد.
- ارزش مطالعه‌ی موردی: پژوهشگر درباره‌ی مورد بررسی، اطلاعات زیادی جمع‌آوری می‌کند، به عمق مطالب پی‌می‌برد، به مورد، آشنایی عمیق و درونی به‌دست می‌آورد. گاه مدت زیادی روی یک مورد کار می‌کند.
- صداقت پژوهشگر: صداقت پژوهشگر یک مسأله‌ی واقعی است. در تمام پژوهش‌های کیفی تا حدی اعتماد به پژوهشگر وجود دارد. از آنجا که پژوهشگر، خود در متن پژوهش است، برای اینکه از تأثیر باورها و نظرات پیشین یا فرض‌هایی که داشته است جلوگیری کند، ارزش‌های مورد بررسی را توضیح می‌دهد.
- نظریه‌پردازی حین پژوهش: تدوین نظریه، به هنگام فرایند گردآوری اطلاعات صورت می‌گیرد. این روش استقرایی است. مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن نیز هم‌زمان با گردآوری داده‌ها و تحلیل‌ها صورت می‌پذیرد.
- فرایند و توالی: گذرگاه زمان، بخش جدایی‌ناپذیر در پژوهش کیفی است. پژوهشگران کیفی توالی رخدادها را مورد توجه قرار می‌دهند. از این‌رو می‌توانند تحول یک موضوع، پیدایش یک تضاد یا توسعه‌ی یک رابطه را مطالعه کنند. بنابراین، می‌توانند فرایند و روابط علی مورد را شناسایی کنند.
- تفسیر: این واژه به معنی نسبت دادن یک مدلول یا یک معنی منسجم و منطقی به چیزی است. از همین‌رو است که گزارش‌های پژوهش‌های کیفی معمولاً با جدول‌ها، نمودارها، تصویرها، نقشه یا پیکره‌ها همراه‌اند.

## انواع تحقیق کیفی

دسته‌بندی تحقیقات کیفی آسان و مورد توافق همه نیست. آنسلم، استراس و جولیت کوربین شیوه‌های تحقیق کیفی را شامل موارد ذیل می‌دانند:

۱. نظریه‌مبنایی: یعنی آنچه که به‌طور استقرایی؛ یعنی از جزء به کل، از مطالعه پدیده‌ای به‌دست آید و نمایانگر آن پدیده است. به‌عبارت دیگر، باید آن را کشف کرد و کامل نمود و به‌طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات نمود.
۲. مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری: پژوهش قوم‌نگاری معمولاً با انسان‌شناسی هم‌بسته است. قوم‌نگاری توصیفی عمیق و تحلیلی از موقعیت فرهنگی و در معنای وسیع، از فرهنگ است. پژوهش قوم‌نگاری بر مشاهده، توصیف و داوری‌های کیفی یا تفسیر پدیده‌های مورد بررسی تأکید بسیار دارد.

۳. پدیدارشناختی : استفاده از پدیدارشناسی به منظور پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات؛ به عبارت دیگر، نسبت به پدیدارهایی است که بی واسطه در تجربه ما ظاهر می شوند.

۴. وقایع زندگی یا تحقیق زندگی نامه ای : در این نوع تحقیق، مطالعه بر یک فرد، متمرکز می شود و از طریق روایت زندگی او به صورت حکایت گونه، رویدادهای زندگی فردی در چهارچوبی وسیع تر نمایان می شود. سپس با ارتباط دادن این رویدادها، به عنوان نقطه های عطف و اطلاعات گردآوری شده مورد تفسیر قرار می گیرند. از پژوهش زندگی نامه ای به عنوان تاریخ شفاهی نیز یاد می شود.

۵. تحلیل مکالمات یا گفتمان : در این نوع تحلیل، داده ها در اصل به صورت گفتار تولید می شوند؛ ولی بعداً آنها را به منظور تحقیق با دقت و وسواس فراوان و با استفاده از علائمی که تأکیدها، مکث ها، خنده ها و سایر ظرایف غیرکلامی را هم بر کاغذ بیاورد، به نوشتار تبدیل می کنند. موضوع این دسته از مطالعات به یک معنا "پیام" است. تحلیل گفتمان عمدتاً در علوم سیاسی ریشه دارد؛ ولی در شاخه های مختلفی از علوم دیگری، مانند زبان شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی نیز کاربرد دارد.

۶. تأویل شناسی یا هرمنوتیک : روشی است که فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می کند. به عبارت دیگر هرمنوتیک، هنر دستیابی به فهم کامل و تام عبارتهای گفتاری و نوشتاری است.

۷. کردارشناسی : این نظریه که از مطالعه رفتار حیوانات در محیط های طبیعی به دست آمده، بیان می کند که نوزاد انسانی به طور ژنتیکی آماده است تا به افرادی که از او مراقبت می کنند، دلبسته شود. این دلبستگی ها از لحاظ تکاملی دارای ارزش است؛ زیرا سبب سازش با محیط می شود. به عقیده جان بالبی پایه های زیستی رفتارهای دلبستگی، در صورتی که از دیدگاه تکاملی مطالعه شود، آسان تر قابل درک خواهد بود. به طور کلی در این روش سعی می شود تا انواع رفتار انسان ها شناسایی و درک شود.

۸. نشانه شناسی : نشانه شناسی در درجه اول با آفرینش "معنا" در متون (فیلم، برنامه های تلویزیونی و دیگر آثار هنری) سر و کار دارد. این علم نشان می دهد که نشانه و نقش آن چیست؟ نشانه ها و روابط، دو مفهوم کلیدی تحلیل نشانه شناختی هستند. در تحلیل نشانه شناسی تفکیکی موقتی و اختیاری بین محتوا و شکل قائل می شویم و تمام توجه خود را معطوف نظام نشانه هایی می کنیم که متن ما را می سازد. مثلاً غذا در برنامه تلویزیونی نباید فقط استیک، سالاد و ... تلقی شود؛ بلکه نظامی از نشانه ها که حاوی معانی مربوط به موضوعاتی مثل پایگاه، سلیقه، پیشرفت، ملیت و غیره است، می باشد.

۹. جامعه‌سنجی : این روش را مورنو در سال ۱۹۳۴ برای مطالعه و اندازه‌گیری روابط از نظر جذب و دفع متقابل یا یک طرفه در یک گروه طبیعی پیشنهاد کرده است. به‌طور کلی این روش، وسیله‌ای برای تعیین درجه پذیرش افراد در یک گروه، کشف روابط این افراد و آشکار کردن ساخت خود گروه به کار می‌رود.

### جمع‌بندی بحث روش پژوهش

پایه هر علمی، روش شناخت آن است و اعتبار و ارزش قوانین هر علمی به روش شناختی مبتنی است که در آن علم به کار می‌رود. روش تحقیق مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و نظام یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است. به طوری که انتخاب متدولوژی تحقیق یکی از مهمترین و فنی‌ترین مراحل است که پژوهشگر باید با حساسیت ویژه، ابزاری مناسبی برای گردآوری داده‌ها طراحی شود و با انتخاب نمونه آماری، داده‌های نگرشی و جمعیت‌شناختی مورد نیاز جمع‌آوری گردد. علاوه بر این، انتخاب روش پژوهش مناسب امری دشوار و مهم است. همچنین شناخت روش‌های پژوهش و آگاهی از دقیق بودن آنها از حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

از رهگذر پژوهش و تجربه است که نا آزموده در بوته آزمایش قرار می‌گیرد و در ژرفنای تاریک نا آگاهی، بارقه روشن اکتشاف و آگاهی تلالو می‌یابد. آنچه کار علمی را از کوشش غیرعلمی جدا می‌کند روش پژوهش علمی است. روش پژوهش علمی مبتنی بر رعایت اصول و بنیان‌های منظم و مدونی است که با طی گام‌های علمی به پیش می‌رود. روش به تحقیق اعتبار می‌بخشد و گاهی عقیده بر این است که علم همان روش است. پژوهشگران برای ارائه یک کار علمی-پژوهشی باید با اصول و مبانی روش تحقیق علمی آشنا باشند تا بتوانند یک طرح پژوهشی یا مقاله علمی معتبر و قابل اتکا ارائه نمایند.

مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیقات کیفی مصاحبه است. تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است، که هر کدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در تحقیقات کمی نیز معمولاً از ابزار پرسشنامه یا داده‌های واقعی (مانند داده‌های صورت‌های مالی، حجم فروش، سودآوری و ...) استفاده می‌شود. روش تحقیق آمیخته نیز تکنیکی است که هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی انجام می‌شود.

رویکرد کیفی نوعی دیگر از پژوهش است که محقق، با اتکاء به نظر شرکت کنندگان در تحقیق، سؤالات گسترده و کلی را پرسش می‌کند، به جمع‌آوری اطلاعاتی می‌پردازد که عمدتاً از نوع کلامی و متن است، به توصیف و تحلیل این کلمات و متن‌ها می‌پردازد و تحقیق خود را به صورتی ذهنی و به اصطلاح، سوگیرانه اجرا می‌کند.

ویژگی های پژوهش های کیفی را می توان در سه مورد اساسی زیر خلاصه کرد:

۱. تأکید بر شنیدن دیدگاه های شرکت کنندگان در پژوهش؛
  ۲. تأکید بر پرسش های عمومی و باز و جمع آوری اطلاعات از همان محلی که مردم در آن زندگی و کار می کنند؛
  ۳. تأکید بر حمایت از تغییرات و بهبود بخشی زندگی افراد و گروه ها.
- در پژوهش های کیفی می توانیم از طرح های زیر نام ببریم:

- مطالعه موردی Case study
- طرح های روایتی Narrative
- تئوری زمینه ای Grounded theory
- روش تاریخی Historical method
- قوم نگاری Ethnography
- پدیدارشناسی Phenomenology
- تحقیق در عمل یا اقدام پژوهی Action research
- تحلیل گفتگو Discourse analysis

### مطالعه موردی Casestudy

روش مطالعه موردی، که غالباً به صورت مطالعات کیفی صورت می گیرد، به مطالعه متمرکز یک مورد یا نمونه می پردازد. مطالعه موردی با توجهی که به مطالعه موردها دارد مشخص می شود نه با روشی که در مطالعه خود به کار می گیرد. برخی از محققان به دلایل علاقه درونی خود بر مطالعه یک مورد معین تمرکز می کنند و برخی دیگر به مطالعه چند یا چندین مورد می پردازند تا از این طریق تعمیم پذیری موضوع ها و الگوها را آزمون کنند.

### طرح های روایتی Narrative

در پژوهش روایتی، محقق به توصیف چگونگی زندگی افراد می پردازد، عموماً بر مطالعه یک فرد خاص تمرکز دارد، اطلاعات خود را از طریق جمع آوری داستان ها فراهم می کند، از اطلاعاتی که جمع آوری کرده است برای

بیان داستان زندگی آنان استفاده می کند، روایت هایی از تجارب زندگی افراد را به قلم می آورد، و معنای این تجارب را ارائه می کند.

طرح پژوهشی روایتی شامل به تصویر کشیدن افراد، مستندسازی تجارب آنان، بازگو کردن صدای آنان، و ارائه دیدگاه های آنان در بافت اجتماعی و فرهنگی معین است. این بدان معنا است که پژوهشگر تحقیقات روایتی بر اهمیت یادگیری از مخاطبان مورد مطالعه خود تأکید دارد.

### تئوری زمینه ای Grounded theory

روش پژوهشی تئوری زمینه ای، هم وسیله ای برای نظریه پردازی و هم یک مجموعه از فنون اجرایی در پژوهش های کیفی است. طرح های پژوهشی تئوری زمینه ای، به عنوان یک رویکرد طبیعی گرایی در تحقیق محسوب می شود که، با فاصله گرفتن از روش تقلیل گرای تحقیقات تجربی، به یک رویکرد متناسب با بافت و زمینه رفتار روی آورده است.

تئوری زمینه یابی، مجموعه ای از اقدامات نظام دار و کیفی برای ایجاد نوعی از تبیین عمومی است.

### سخن پایانی

پژوهش های کیفی و کمی می بایست در جهت تلفیق و تعامل حرکت کنند تا در این همپوشانی نقاط ضعف هریک از آنها کاهش یابد هرچند که پژوهشگر می بایست در این تلفیق اعتبار درونی و بیرونی پژوهش را مد نظر قرار دهد. فعالیت ها در حوزه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و همچنین در دو گروه تحقیق و تحلیل محتوای معاونت پژوهشی در استانها از جنس فعالیت های کمی و کیفی هستند و آنچه که کاربری پژوهش ها را در حوزه تصمیم گیری و مدیریت افزایش می دهد وجود تلفیق و ترکیب روشهای کیفی و کمی است اما اساساً میل به پژوهش های کمی همواره در پژوهشگران به دلیل سهولت در برخی از فرایندها وجود دارد. علی ایحال کارشناسان و پژوهشگران سازمانی (در حوزه محتوای کتاب های درسی و مسائل آموزش و پرورش) در حیات کاری خود نیاز به پژوهش های کیفی و کمی دارند.

این گزیده را گردآورده ام تا چراغی باشد در ژرفنای این وادی برای پژوهشگران و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.